

آغاز سال ۲۰۱۰ میلادی در مکزیک



سلام

امروز دوم اکتبر ۲۰۰۹ است. چهل و یک سال پیش، همزمان با برگزاری مسابقات المپیک ۱۹۶۸ در مکزیک، دولت این کشور در پاسخ به رشد جنبش‌های اجتماعی، سیاست سرکوب‌گری را در دستور کارش قرار داد. پس از انجام آکسیون‌های مختلف، روز دوم اکتبر،

جنبش دانشجویی در «میدان سه فرهنگ» [پلاسا د ترس کولتورا] تظاهراتش را آغاز کرد. نیروهای ویژه امنیتی این کشور، با شلیک گلوله از ساختمان‌های اطراف و بعد حمله مستقیم به تظاهرکنندگان. صدها نفر را به قتل رساندند یا ناپدید کردند.

امروز به تنهایی به تظاهرات می‌روم. بقیه باید به مراسم ادای احترام به یکی از همکاران «انجمن مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات» که دیروز فوت شده بروند. (خانم کریستینا بوتیلی، روانشناسی که خود مدتی در آرژانتین شکنجه شده بود از مدت‌ها پیش با این انجمن همکاری داشت). ساعت دو بعد از ظهر است و بچه‌ها کفش‌کتانی به پا می‌کنند. باز می‌شنوم: «یادت نرود، تا درگیری شروع شد، بچه‌ها را ببر بیرون!» و من با یک «باشد» دست بچه‌ها را می‌گیرم و به سوی مترو می‌روم. دو ایستگاه مانده به محل آغاز تظاهرات بیرون می‌رویم. مسیر طولانی است و من ترجیح می‌دهم با بچه‌ها کمتر راه بروم. به میدان هنرهای زیبا می‌روم. از این جا می‌شود از بالای پله‌های یک بانک عبور تظاهرات را شاهد بود و در زمان مناسب، همراه آن تا میدان «زوکلو» رفت. ده پانزده دقیقه که می‌گذرد، کمیته اوپرکا نیز همان جا پارچه بزرگی به دیوار آویزان می‌کند و خواست بازگرداندن ناپدیدشدگان را مطرح می‌کند. [رک به: <http://www.peykarandesh.org/old/jonbesh/pdf/Rosario-Ibarrai.pdf>]

بچه‌ها گاهی تماشا می‌کنند و گاهی فریاد می‌زنند: «زاپاتا زنده است، مبارزه ادامه دارد!». پس از مدتی آنان را به قهوه‌خانه‌ای می‌برم تا کمی استراحت کنند. ربع ساعت بعد باز به همان محل بر می‌گردیم تا شاهد ادامه تظاهرات باشیم. گروه اول که از «بنای یاد بود انقلاب» راهی شده بود، گذشت. چند دقیقه بعد پیش قراولان گروه دوم سر می‌رسند. تعداد بیشمار پلیس حتی داد همه را در آورده است. ناگهان درگیری آغاز می‌شود. نمی‌بینیم از کجا، ولی گاز اشک‌آور فضا را پر می‌کند. چشم هر سه نفرمان می‌سوزد. بچه‌ها اولین بار است که طعم گاز اشک‌آور را می‌چشند. بطری آب را از کوله‌پشتی در می‌آورم، یکی دو نفر دیگر نیز بطری‌های خودشان را تعارف می‌کنند. اول چشم بچه‌ها را می‌شورم، بعد مال خودم را و از پله پائین می‌آیم تا از محل دور شوم. دیگر ماندن ما منطقی نیست...

شب اخبار تلویزیونی از تظاهرات خشونت‌بار عده‌ای آنارشیست گزارش می‌دهد...

مسابقات المپیک ۱۹۶۸، بخصوص به خاطر رفتار قهرمانانه ورزشکاران آفریقای آمریکا، تومی اسمیت و جان کارلوس در تاریخ ماندگار شد. این دو دوندۀ آمریکایی با دست کردن دستکش سیاه، با پاهای برهنه، مشت افراشته و سری



افکنده، فقر سیاهان آمریکا و در عین حال قدرت آنان را به شیوه ای سمبلیک به نمایش گذاشتند. [ن ک به: <http://www.johncarlos.com>، و <http://www.tommiesmith.com>] اما آن زمان آن چه رسانه های معروف آگاهانه به فراموشی سپرده بودند، وضعیت سیاسی اقتصادی کشوری بود که در آن بازی های المپیک برگزار می شد. چهل و یک سال پس از این واقعه، در این کشور هنوز هیچ کس به میز محاکمه کشیده نشده است. رئیس جمهور وقت مکزیک همچنان از حقوق بازنشستگی و مزایای عالی برخوردار است و از وجود «دمکراسی» در این کشور لذت می برد. اما مردم مکزیک هنوز فجایع دولت را به فراموشی نسپرده اند.

هر ساله در روز دوم اکتبر، تظاهرات و بزرگداشت به خاک افتادگان ۱۹۶۸ برگزار می شود و تا به حال، تقریباً بلا استثناء این تظاهرات به خشونت کشیده شده است. دولت با فرستادن پرووکاتورها به صفوف تظاهرکنندگان، می کوشد قبل از رسیدن تظاهرات به میدان اصلی شهر [زوکلو] با ایجاد خشونت، از جمع شدن تعداد کثیر مردم جلوگیری به عمل آورد.

امسال نیز وضع بر همین منوال بود. هزاران نفر شرکت کننده از دو نقطه راهی زوکلو شدند، عده ای از «میدان سه فرهنگ» و عده ای دیگر از «یادمان انقلاب». وجود جوانانی که سال ها پس از این واقعه چشم به جهان گشوده اند، صحت شعار معروف «دوم اکتبر فراموش نمی شود!» را نشان می دهد.

شرکت کارگران سندیکای برقکاران مکزیک با صفوف فشرده، که علیه خصوصی کردن صنعت برق شعار می دادند، کارگران بخش آموزش و پرورش، دانشجویان و دانش آموزان، زنان و زحمتکشان محلات، وحدت خواست های امروزین زحمتکشان را با خواست های آنان در سال ۱۹۶۸ نشان می دهد.

حمله پلیس به تظاهرات، استفاده از خشونت و گاز اشک آور علیه شرکت کنندگان در آن نیز نشان دهنده ادامه همان پاسخ از سوی دولت است.

در ماه سپتامبر گذشته هفت بار با بمب های دست ساز به شعبه های بانک های مختلف حمله شد. دولت فدرال در پاسخ به فشار نشریات بزرگ، با های و هوی بسیار اعلام کرد که بمب گذار را دستگیر کرده است. در همان حال عکسی از فرد مجرم را در اختیار خبرنگاران قرار داد که توسط دوربین یک بانک برداشته شده بود.

جریان دستگیری بدین شکل بود که صبح روز چهارشنبه ۳۰ سپتامبر چهار نفر پلیس لباس شخصی «رامسس ویارئال» را از درون مینی بوسی که وی در آن عازم محل کارش بود بیرون کشیدند و به یکی از زندان های دادستانی بردند. پس از شکنجه و تهدید از وی خواستند که اقرار کند. پس از آن که خانواده او از زندانی بودنش مطلع شد، همراه با جمع کثیری از دانشجویان و دوستان دیگر وی در مقابل دادستانی دست به اعتراض می زنند. دست آخر حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب، وکیل او قادر به ملاقات با وی می شود. از همان لحظه آشکار بود که عکسی که دادستانی مدعی بود از شخص بمب گذار دارد، با شخص دستگیر شده خوانائی ندارد. با این حال دادستانی روی ادعای خود پافشاری نمود و گفت که لیست پانزده نفر دیگر از شرکای جرم را نیز تهیه کرده است. بالاخره تحت فشار افکار عمومی روز شنبه ۳ اکتبر رامسس ویارئال، از رهبران اعتصاب دانشجویی سال ۱۹۹۹ علیه خصوصی سازی آموزش عالی از زندان آزاد شد. نحوه دستگیری و برخورد ارگان های دولتی نشان می دهد که هدف از این نوع عملیات، دامن زدن به ترس از هر نوع فعالیت اجتماعی است، ولی در عین حال گویای این نیز هست که حداقل گاهی نیز با عکس العمل متحد و به موقع می توان این تاکتیک را با شکست مواجه ساخت.

شایعه است که هر صد سال یک بار در مکزیک انقلاب می شود. در ۱۸۱۰ جنگ استقلال آغاز شد و در سال ۱۹۱۰ انقلاب دمکراتیک، بنا بر این چرا در ۲۰۱۰ انقلاب نشود. در عین حال نظامی شدن کشور امری نیست که بتوان آن را حس نکرد. در سراسر کشور ارتش در امور مدنی دخالت دارد. آن چه دولت جنگ با جنایت سازمان داده شده می نامد، دست ارتش را برای هر نوع تجاوزی باز گذاشته است. هیچ یک از احزاب سیاسی رسمی علیه ارتش کلامی بر لب نمی آورد. بازرس مخصوص حقوق بشر، خوزه لوئیز سوپرانس در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «ارتش نمی تواند در چنین شرایطی مردم را تنها بگذارد».

در چنین حال و روزی، عصر شنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹، بیش از پنج هزار نفر از نیروهای امنیتی مکزیک، تأسیسات برق مرکز مکزیک را اشغال کردند. خیابان های مجاور مرکز سندیکای برقکاران مکزیک نیز توسط پلیس محاصره شد تا کارگران نتوانند گرد هم جمع شوند.

روز یکشنبه، با فرمان رئیس جمهور این کشور شرکت برق منطقه مرکزی مکزیک به اشغال کامل درآمد تا کارگران نتوانند «خرابکاری» کنند. به این ترتیب، گام اصلی در خصوصی سازی آن برداشته شد...

[ن ک به: <http://www.peykarandees.org/old/jonbesh/pdf/Ramon-Pacheco-SME.pdf>]

دولت می خواهد با انحلال این شرکت، یکی از قدیمی ترین سندیکای کارگری مکزیک را نیز از پیش پا بردارد. شرکت برق منطقه مرکزی مکزیک دارای ۶۶ هزار کارگر است که از این تعداد ۴۴ هزار نفر را کارگران فعال تشکیل می دهند و بقیه بازنشسته اند. هفته پیش وزیر کار مکزیک با به رسمیت نشناختن نمایندگان سندیکا، راه را برای گام ها بعدی دولت باز گذاشت. تا امروز (سه شنبه ۱۳ اکتبر) تنها حزب کار و بخشی از حزب انقلاب دمکراتیک علیه این اقدام دولت موضع گرفته اند. جالب این است که تمام بنگاه های خبر پراکنی بزرگ و انواع و اقسام سندیکاهای سرمایه داران از اقدام رئیس جمهور دفاع کردند. امروز فروش بورس مکزیک در بالاترین سطح آن در چند سال اخیر بود. بنا بر این یا بیکار شدن ۴۴ هزار کارگر مسئول سود آوری بورس است یا خصوصی کردن صنعت برق...

از روز یکشنبه ۱۱ اکتبر کارگران این شرکت راه پیمائی و حرکات اعتراضی خود را آغاز کرده اند. روز پنجشنبه قرار است راه پیمائی عظیمی با حمایت سندیکاها و مجامع دیگر در شهر مکزیک برگزار شود. بعید به نظر می رسد که دولت در مقابل کارگران عقب نشینی کند. با این حال کارگرانی که از امروز باید دست گدائی دراز کنند نیز چاره دیگری به جز مبارزه برای احقاق حقوق خود ندارند.

پیش گوئی این امر که آیا فرمان رئیس جمهور ناقوس فرارسیدن مبارزاتی ست که قرار است سال ۲۰۱۰ را به سال انقلاب بدل کند، هنوز زود رس است. اما تحقق چنین رؤیائی از جمله نیازمند یک سازماندهی سراسری و مستحکم است که در حال حاضر هنوز جایش خالی ست.

شهر مکزیکو، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۹